

چرا و چگونه؟

ترانه جوانبخت

همواره به ایرانی بودنم افتخار کرده‌ام، به آنچه در گذشته داشته‌ایم و به آنکه بوده‌ایم نه به آنچه امروز داریم و هستیم. زمان زود می‌گذرد و عمر زود تمام می‌شود. مردم ما باید یاد بگیرند از وقت و انرژی‌شان چگونه استفاده‌ی بهینه کنند. متأسفانه امروز در بین ایرانی‌ها هدر دادن وقت و استعدادها تبدیل به عادت شده است.

برخی افراد از من پرسیده‌اند: اینهمه انرژی را از کجا آورده‌ای؟ و چرا انقدر تلاش می‌کنی؟ این‌ها کسانی هستند که از خودشان نمی‌پرسند: اینهمه انرژی‌مان را کجا از دست داده‌ایم؟ و چرا تنبلی می‌کنیم؟ اینکه این افراد خودشان را نمی‌بینند و از خودشان نمی‌پرسند و مرا می‌بینند و از من می‌پرسند علت دارد. علتش این است که انقدر عاطل و باطل بوده‌اند و زندگی‌شان را هدر داده‌اند که دیگر انگیزه‌ی بهتر شدن را از دست داده‌اند. این‌ها کسانی هستند که فکرشان در روزمرگی تخدیر شده است.

عده‌ای نیز هستند که در علوم کاری نکرده‌اند و از علوم چیزی نمی‌دانند. این‌ها هنرمندنماهایی هستند که به من می‌گویند: همه فعالیت‌هایت را قربانی یک حوزه‌ی هنری بکن. این‌ها با همین افکار درجا زده‌اند و از این ناراحتند که زنی از خودشان جلوتر است.

واقعیت این است که ما ایرانی‌ها هر چقدر هم که به ایرانی بودنمان افتخار کنیم نمی‌توانیم به امروزمان افتخار کنیم. ابن‌سینا و فارابی و خیام و دیگرانی که در حوزه‌های مختلف حاذق و زبده بودند مربوط به گذشته‌ی ایرانند. متأسفانه ما امروز مانند آنها را در ایران نداریم.

چرا کشوری که روزگاری بهترین بود امروز در عرصه‌های مختلف علمی، ادبی، هنری وارد کننده‌ی فکر پیشرو از کشورهای غربی است؟ آیا غربی‌ها استعدادشان از ما ایرانی‌ها بیشتر است؟ معلوم است که این‌طور نیست. در بین جوانان ایرانی افراد نابغه و بااستعداد فراوان زیاد داریم اما علت اینکه کشور ما برخلاف دوران گذشته‌اش به شکوفایی نرسیده این است که تنبلی در ذهنیت مردم ما رخنه کرده و ریشه دوانده است.

ما ایرانی‌ها باید بتوانیم جریان‌ساز باشیم و دنیا را حرکت دهیم نه اینکه خودمان انقدر از دنیا عقب بمانیم که مردم کشورهای دیگر به ما روش فکر کردن و عملی کردن افکارمان را بیاموزند.

ما می‌توانیم بهترین باشیم و به جای اینکه از مردم دنیا علوم و فلسفه و ... را بیاموزیم، باید به حدی برسیم که مردم دنیا آن‌ها را از ما بیاموزند. باید به خودباوری برسیم و انقدر در خودمان انگیزه و توانایی ببینیم که ملتی را از نو شکوفا کنیم. آن وقت خواهیم توانست دنیا را با توانایی‌هایمان شکوفا کنیم زیرا بهره از توانایی‌های ما در علوم و هنرهای گوناگون باید به همه مردم دنیا بدون چشمداشت برسد ...

آن وقت مردم دنیا خواهند گفت که ایران به دوران گذشته‌اش بازگشته و بهترین نوابغ را دارد. آن وقت اقرار خواهند کرد که رنسانس شکوفایی و رشد و پیشرفت در ایران آغازگر عصر جدیدی برای بشریت است ...

چراغ خودباوری در دست راستم و چراغ انگیزه در دست چپم
به نبرد با تنبلی یک ملت می‌روم.
خفتگان را بیدار خواهم کرد.
این میراث جاودانه‌ی من است ...